

بیکاری به وضعی گفته می‌شود که بخشی از نیروی فعال جامعه که خواهان کار هستند، کاری در خور شأن اجتماعی خود پیدا نمی‌کنند. در این مقاله، سطح بیکاری تعادلی و وضع کم کاری کارگران بررسی شده است. کارفرمایان هم سطح دستمزد و هم سطح بیکاری را تعیین می‌کنند. آنان دستمزدی بالاتر از دستمزد تعادلی می‌پردازند تا شماری از کارگران بیکار بمانند و کارگران شاغل به علت ترس از اخراج و از دست دادن کار خود، کم کاری نکنند. سود کارفرمایان به گونه مستقیم و غیرمستقیم به دستمزد بستگی دارد، زیرا پرداخت بالاتر موجب کاهش کم کاری و سرانجام افزایش سود می‌شود.

بیکاری تعادلی: راهکاری برای به نظم کشیدن کارگران

پیشگفتار:

است: بنابراین کارفرمایان برای استخدام نیروی کار، تحصیلات بالاتر را بعنوان توانمندی بیشتر در نظر می‌گیرند.

قوامی (۱۳۸۲: ۹۱-۶۳) به تحولات خوداشتغالی در دوره ۱۳۳۵-۱۳۳۵ پرداخته و نتیجه گرفته است که خوداشتغالی در نقاط روستایی ایران از ۶۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

رضوی و مشرفی (۱۳۸۳: ۳۷-۱) با طراحی درون‌زای سیستم جمعیتی و اقتصادی کشور در چارچوب یک الگوی بویای سیستمی، عرضه و تقاضای نیروی کار و بیکاری را برآورد کرده‌اند. این برآورد نشان می‌دهد که سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ سال‌های اوج بیکاری در کشور است، و در سال ۱۳۸۴ نرخ بیکاری به ۲۲ درصد می‌رسد.

صفوی (۱۳۸۳: ۱۶۷-۱۴۳) به بررسی قابلیت‌های اشتغال‌زایی بخش صنعت ایران می‌پردازد. وی توان نفر-شغل ایجاد شده در صنعت و ظرفیت اشتغال‌زایی غیرمستقیم هر یک از زیربخش‌های صنعتی کشور را بر پایه طبقه‌بندی ISIC بررسی کرده و نتیجه گرفته است که بخش صنایع پوشاک و بخش پارچه‌بافی به ترتیب با ۱۳ و ۱۲ نفر-شغل بزرگترین ضریب اشتغال را داشته‌اند و بیشترین شغل را به ازای ارزش یک میلیون ریال تولید ناخالص خود ایجاد می‌کنند و ضریب‌های غیرمستقیم اشتغال آنها نیز از دیگر

در این مقاله بیکاری بعنوان ابزاری برای نظم‌پذیر کردن کارگران و جلوگیری از کم کاری تعریف شده است. کارفرمایان برای جلوگیری از کم کاری کارگران شاغل دستمزدهایی بالاتر از دستمزدهای تعادلی می‌پردازند و سطح بیکاری را بالا نگه می‌دارند تا کارگران شاغل از ترس بیکار شدن کم کاری نکنند. برخی متغیرها مانند افزایش حقوق بیکاری موجب افزایش کم کاری کارگران شاغل می‌شود و از این رو کارفرمایان ناگزیرند دستمزد بالاتری بپردازند. مقاله حاضر به گونه زیر سازماندهی شده است: نگاهی به نوشتارها و بررسی‌های انجام شده در زمینه بیکاری و اشتغال؛ شناخت بیکاری تعادلی بعنوان شیوه نظم‌پذیر کردن کارگران؛ ارائه مدل شیپرو و استیگلیتز؛ بخش پنجم نتیجه‌گیری.

نکاتی درباره بیکاری و اشتغال

صادقی و همایونی فر (۱۳۸۰: ۳۴-۱۷) نشان داده‌اند که در ایران سهم اشتغال در بخش کشاورزی رو به کاهش است و در همان حال بهره‌وری نیروی کار در این بخش به بهبود گرایش دارد. عمادزاده (۱۳۸۱: ۵۰-۲۹) تحصیلات را همچون علایم راهنما در بازار کار معرفی می‌کند. از دید وی تحصیلات بالاتر نشان‌دهنده توانمندیهای فردی، اقتدار، انگیزه، علاقه و پشتکار

دکتر محمد لشکری

دانشجویان دانشگاه پیام نور می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که تحصیل در دانشگاه به دانشجویان خواهان کار کمک می‌کند تا فرصت‌های شغلی مناسب‌تری پیدا کنند.

بیکاری تعادلی: راهکاری برای نظم‌پذیر کردن کارگران

بنگاههای اقتصادی برای به‌انزوا کشاندن نیروی کار، از ابزار بیکاری بهره‌می‌جویند. برای جلوگیری از زیر کار در رفتن کارگران (Shirking) بنگاههای اقتصادی سطح بیکاری جامعه را کنترل می‌کنند. نیروی کار نیاز به نظارت دارد و این نظارت هزینه‌بر است. اگر ابزاری باشد که کارگر را از کم‌کاری باز دارد و هزینه نداشته باشد، کار فرمایان از این ابزار بهره خواهند گرفت. یکی از این ابزارها بیکاری است، که از گونه‌تعدادی شمرده می‌شود زیرا سطح آن را بنگاههای اقتصادی تعیین می‌کنند.

اگر نرخ بیکاری در جامعه بالا باشد، کارگر از ترس پیدا نکردن کار تازه، می‌کوشد رفتار خود را متناسب با خواست کارفرما تنظیم کند. بنگاهها هرچه بیشتر در جامعه در زمینه بیکاری کنترل داشته باشند، بهتر بر کارگران نظارت می‌کنند؛ پس بنگاهها هم سطح بیکاری و هم سطح مزد را تعیین می‌کنند. البته این گونه بیکاری یکسره غیرارادی است چون کارگران خواهان بیکاری نیستند ولی کار فرمایان برای به‌نظم کشیدن کارگران سطح بیکاری را بالا نگه می‌دارند. یکی از دلایل چسبندگی دستمزد در اقتصاد و اینکه بنگاهها حاضر نیستند دستمزد را کاهش دهند این است که آنها خواهان نظم‌پذیر کردن کارگران هستند. اگر سطح بیکاری در جامعه بالا باشد این ابزار کار آبی دارد؛ ولی بنگاهها حاضر نیستند سطح بیکاری چندان افزایش یابد زیرا باید دستمزدهای کلان بپردازند.

از بیکاری تعادلی بعنوان ابزاری برای نظم بخشیدن به کارگران بهره‌گرفته می‌شود. سود بنگاه نه تنها به گونه‌مستقیم بلکه غیر مستقیم نیز به دستمزد بستگی دارد، زیرا دستمزد بالا موجب کاهش کم‌کاری و کاهش هزینه کنترل و سرانجام افزایش

میرمعزی (۱۳۸۳: ۱۳۳-۱۰۳) به بررسی نظریه رفتار تولید کننده و تقاضای کار در اقتصاد اسلامی می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که در اقتصاد اسلامی در شرایط یکسان به دو علت سطح اشتغال و تولید، بالاتر از اقتصاد متعارف است: ۱- وجود بنگاههایی که با انگیزه پیشینه کردن تولید فعالیت می‌کنند. ۲- امکان سهم‌بری نیروی کار از سود.

میرمعزی (۱۳۸۳: ۹۰-۳۰) تعادل در بازار کار و استخراج عرضه کل در اقتصاد اسلامی را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در اقتصاد اسلامی منحنی عرضه کل همانند الگوی کلاسیک عمومی است و قیمت‌ها به علت دخالت دولت و تعیین حداقل دستمزد از سوی دولت برای پشتیبانی از حقوق کارگران و تحقق عدالت اقتصادی چسبنده است.

در کشورهای پیشرفته صنعتی، یکی از عوامل تعیین‌کننده تقاضای آموزش عالی، شرایط بازار کار و سطح حقوق و دستمزد در رشته‌های گوناگون است. (فرجادی، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۲) از دیدوی، در ایران با وجود افزایش بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهها بویژه در رشته‌های علوم انسانی- اجتماعی شوق ادامه دادن تحصیلات در سطوح آموزش عالی نه تنها نشانه‌هایی از کاهش ندارد، بلکه پیوسته رو به افزایش است. هرچه میزان بیکاری دانش‌آموختگان دبیرستانی بیشتر باشد، هزینه فرصت برای آموزش عالی کمتر و انگیزه برای ادامه دادن تحصیل در دانشگاه بیشتر از دیگر مقاطع آموزشی خواهد بود.

در حال حاضر ۱۳/۵ درصد از نیروی کار کشور آشکارا بیکارند. این درصد در برخی استانها مانند کرمانشاه، خوزستان، سیستان و بلوچستان و لرستان از مرز ۲۰ درصد می‌گذرد. میزان بیکاری پنهان یا اشتغال ناقص در سطح ملی نزدیک به ۱۸/۷ درصد است. (علیزاده، ۱۳۸۳: ۴۵-۵۳) سالانه نزدیک به ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار فرصت شغلی تازه مورد نیاز است. علیزاده علت اساسی بیکاری را گسترش نظام مدیریت اجرایی ناکارآمد می‌داند. لشکری (۱۳۸۳) به بررسی وضع اشتغال

○ خوداشتغالی در نقاط

روستایی ایران از ۶۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۷۵ کاهش یافته است.

بنگاه تلاش می کند مزدی بپردازد تا کارگر کم کاری نکند.

۴. شرط نبود کم کاری

اگر نامساوی زیر برقرار باشد کارگر کم کاری نمی کند:

$$v_e^* \geq v_e^* \Rightarrow w \geq rv^* + (r + b + q) \frac{e}{q} \equiv \hat{w} \quad (4)$$

باید دستمزدی که پرداخت می شود از این عبارت بیشتر باشد تا کم کاری نشود. اگر q افزایش یابد یعنی برای نمونه تکنولوژی پیشرفت کند و کارگر کم کار گیر بیفتد، با مزد کمتر می توان این نامساوی را تضمین کرد. اگر حق بیمه بیکاری افزایش یابد احتمال کم کاری بیشتر می شود و کارفرما باید دستمزد را بالا ببرد تا کم کاری کاهش یابد.

$rv^u = w$ را به گونه زیر محاسبه می کنیم:

$$rv^u = w + \alpha(v_e^* - v^*) \quad (5)$$

$v_e =$ دارایی در زمان اشتغال و همچنین مطلوبیت انتظاری یک کارگر شاغل است.

$v^u =$ دارایی در زمان بیکاری است.

$\alpha =$ احتمال اینکه کارگر بیکار شود و دوباره کار پیدا کند.

در تعادل $v_e = v^N_e = v_m$ است.

از روابط (۴) و (۵) نتیجه می شود:

$$NSC: w \geq \bar{w} + e + \frac{e(a + b + r)}{q} \quad (6)$$

در تعادل $\alpha U = bE$ است.

$E =$ شمار کسانی که کار دارند و بیکار می شوند.

$U =$ شمار بیکارانی که کار پیدا می کنند.

$L^s =$ عرضه کل نیروی کار

از رابطه (۷) می توانیم مقدار α را به شکل زیر محاسبه کنیم:

$$a = \frac{bE}{U} = \frac{bU}{L^s - E} \quad (8)$$

از روابط (۶) و (۸) نتیجه می شود:

$$w \geq \bar{w} + e + \frac{e}{q} \left(\frac{bE}{L^s - E} + b + r \right) \quad (9)$$

(۱۰)

$$w \geq \bar{w} + e + \frac{e}{q} \left(\frac{bE + bL^s - bE}{L^s - E} + r \right) = w + e + \frac{e}{q} \left(\frac{bL^s}{L^s - E} + r \right)$$

$$w \geq \bar{w} + e + \frac{e}{q} \left(\frac{bL^s}{U} + r \right) \equiv \hat{w} \quad (11)$$

$$U = L^s - E \quad (12)$$

سود می شود. دستمزد به گونه مستقیم در هزینه و به گونه غیر مستقیم در درآمد کل منظور می شود.

شپيرو و استیگلیتز با ارائه مدلی به صورت ریاضی نشان می دهند که سطح بیکاری از سوی کارفرمایان تعیین می شود. کارفرمایان سطحی از بیکاری را تعیین می کنند که برایشان بیشترین سود را به بار آورد. در زیر به بررسی مدل آنان می پردازیم.

مدل شپيرو و استیگلیتز

شپيرو و استیگلیتز برای مدل خود مفروضاتی در نظر می گیرند. آنان فرض می کنند که نیروی کار ریسک خنثی است و تابع مطلوبیت آن به گونه زیر است:

$$U = w - e \quad (1)$$

متغیرها و پارامترهای مدل آنان عبارت است از:

$U =$ مطلوبیت، $e =$ کار کردن و $w =$ دستمزد.

آنان برای e دو حالت در نظر می گیرند $\left\{ \frac{e}{0} \right\}$ و فرض می کنند که e متغیر تصادفی است.

$q =$ احتمال اینکه کارگری که کم کاری می کند ناگهان اخراج شود.

$b =$ احتمال جدایی از کار یعنی اینکه کارگر به گونه لاردی یا بر اثر بازنشستگی کار خود را رها کند.

$r =$ نرخ بهره

$t =$ زمان

$v =$ دارایی. نرخ بازدهی یک دارایی چنین

محاسبه می شود:

افزایش ارزش دارایی + سوی جاری = نرخ

بازدهی دارایی

$$r.v_1 = \text{Divident} + \text{Expected Gain}$$

$v^N_e =$ مطلوبیت انتظاری کارگری که مشغول

است و کم کاری نمی کند.

$v^u =$ مطلوبیت انتظاری کارگری که کار

نمی کند.

$v^s_e =$ مطلوبیت انتظاری کارگری که کار

می کند.

nonshirking = n Shirking = s

unemployed = u employed = e

بنابراین:

$$rv_e^s = w + q(v^* - v_e^*) + b(v^* - v_e^*)$$

$$rv_e^s = w + (b + q)(v^* - v_e^*)$$

$$rv_e^u = w - e + b(v^* - v_e^*)$$

○ بر پایه طبقه بندی ISIC

بخش صنایع پوشاک و بخش

پارچه بافی به ترتیب با ۱۳ و

۱۲ نفر - شغل بزرگترین

ضریب اشتغال را داشته و

بیشترین شغل را به ازای

ارزش یک میلیون ریال تولید

ناخالص خود ایجاد می کنند

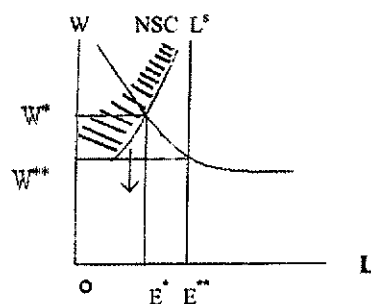
و ضریب های غیر مستقیم

اشتغال آنها نیز از دیگر بخشها

بزرگتر است.

بنابراین دستمزدی که پرداخت می شود باید از دستمزد تعادلی بیشتر باشد تا کارگران شاغل کم کاری نکنند.

۲.۴ نمایش هندسی کم کاری



نمودار بالا وضع کم کاری را نشان می دهد. محور افقی اشتغال و محور عمودی دستمزد را نشان می دهد. در سطح دستمزد تعادلی W^* سطح اشتغال E^* است و کم کاری هم وجود دارد. بخش هاشور خورده شرط نبود کم کاری است. اگر دستمزد از W^* بیشتر باشد اشتغال کمتر از E^* است و نیروی کار بدان علت که می داند سطح بیکاری به نسبت بالا است کم کاری نمی کند. اگر دستمزد کمتر از W^* باشد کم کاری افزایش می یابد. بنگاهها به اندازه $(E^* - E'') = U$ بیکاری ایجاد می کنند و دستمزد بالاتر $(w^* \geq w^{**})$ می پردازند. تا کارگران کم کاری نکنند. هر یک از پارامترها یا متغیرها تغییر کند منحنی ها جابه جا می شود و سطح اشتغال و دستمزد تعادلی و دستمزد لازم برای جلوگیری از کم کاری تغییر می کند. بنگاهها بدان سبب که خواهان بیشترین کارایی هستند، دستمزد را بالا نگه می دارند.

۵- فشرده سخن و نتیجه گیری

سود بنگاه هم که به گونه مستقیم و هم غیر مستقیم به دستمزد بستگی دارد و بنگاه برای کاهش کم کاری ناگزیر است دستمزدی بالاتر از دستمزد تعادلی بپردازد. افزایش حقوق بیکاری موجب افزایش کم کاری می شود و دستمزد لازم برای کم کاری نکردن (NSC) را افزایش می دهد. بنابراین کارفرمایان هم دستمزد و هم سطح بیکاری

فهرست منابع فارسی:

- ۱- رضوی، مهدی و رسام مشرفی (۱۳۸۳)، «تحلیل دینامیکی اشتغال در اقتصاد ایران»، پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۸، صص ۱-۳۷.
- ۲- صادقی، حسین و مسعود همایونی فر (۱۳۸۰)، «نقش کشاورزی در تأمین اشتغال و کاهش بیکاری»، پژوهش های اقتصادی، سال اول، شماره اول، صص ۱۷-۳۴.
- ۳- صفوی، بیژن (۱۳۸۳)، «بررسی قابلیت های اشتغال زایی بخش صنعت ایران»، پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۹، صص ۱۶۷-۱۴۳.
- ۴- عمادزاده، مصطفی (۱۳۸۱)، «تحصیلات، علایم راهنما در بازار کار»، پژوهش های اقتصادی، سال دوم، شماره چهارم، صص ۲۹-۵۰.
- ۵- قوامی، هادی (۱۳۸۲)، «بررسی تحولات خوداشتغالی با استفاده از روش شناسی تجزیه»، پژوهش های اقتصادی ایران، شماره ۱۵، صص ۹۱-۶۳.
- ۶- لشکری، محمد (۱۳۸۳)، طرح پژوهشی در حال اجرا با عنوان «بررسی وضعیت اشتغال دانشجویان دانشگاه پیام نور در حال تحصیل».
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۳)، «تعادل در بازار کار و استخراج عرضه کل در اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۵، صص ۹-۳۰.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۳)، «نظریه رفتار تولید کننده و تقاضای کار اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۱۳، صص ۱۳۳-۱۰۳.
- فرجادی، غلامعلی (۱۳۸۳)، «آموزش عالی و بیکاری تحصیل کرده ها»، در کتاب بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه پیام نور، صص ۵۵-۶۲.

فهرست منابع لاتین:

- 1- Alchian, Armen A. and Demsetz, Harold (1972), "Production, Information Costs, and Economic Organization", *American Economic Review*, December, 62, 777-95.
- 2- Shapiro, Cari and Josef E. Stiglitz (1979), "Equilibrium as a worker Discipline Device", *Journal of Political Economy*, Vol. 88, No 4, pp. 45-55.

○ با وجود افزایش بیکاری دانش آموختگان دانشگاهها بویژه در رشته های علوم انسانی- اجتماعی شوق ادامه دادن تحصیل در سطوح آموزش عالی نه تنها نشانه هایی از کاهش ندارد، بلکه پیوسته رو به افزایش است.